



دیده می شود و به احتمال زیاد او با قاتل درگیری شدیدی داشته و قصد داشته از دست او فرار کند که مانند قربانیان قبلی ناکام مانده و به قتل رسیده بود.

زمان به سرعت می گذشت و احتمال وقوع قتل دیگر تو سط قاتل دور از انتظار نبود. بعد از ساعت ها جستجو و تحقیقات نامحسوس سرانجام سه دامداری شناسایی شدند که کارگرانی در آنجا کار می کردند که پژوهه ۴۵ داشتند.

با شناسایی این سه نفر، تحقیقات بر روی آنها متمرک شد. نخستین مظنون مرد ۴۷ ساله ای به نام محمد بود که در یک دامداری نگهداری نمی کرد. محمد به دور از خانواده اش زندگی می کرد و آنها در شهر دیگری بودند. او ماهی دور روز مخصوص می گرفت و به دیدن آنها می رفت.

دومین مظنون، سعید ۲۶ ساله بود که به عنوان دامپزشک در یک دامداری فعالیت داشت. او از شش ماه قبل با تمام شدن درسش مشغول به کار شده بود.

آخرین مظنون هم مرد ۳۵ ساله ای به نام سامان بود. او صاحب یک دامداری کوچک بود. مردی متاهل که به تازگی از همسرش جدا شده بود. کارگاه بعد از برسی سابقه سه مظنون پرونده نام محمد را از لیست کنار گذاشت. در

روزهایی که قتل رخداده بود او در دامداری حضور داشت و نمی توانست قاتل مورد نظر آنها باشد. بین سعید و سامان

هم احتمال قتل از سوی سامان بیشتر بود. او به تازگی از همسرش جدا شده بود و انگیزه کافی برای انتقام از زنان را داشت. دادستان اعتقاد داشت باید هر سه مظنون را دستگیر کنند و باز جویی ها سریع شروع شود اما سرگرد نظر

دیگری داشت. «قاتلی به این خونسردی به راحتی اعتراف نمی کند. ما باید او را با دلایل کافی یا هنگام شکار طعمه دستگیر کنیم تا راه فراری برای کتمان حقیقت نداشته باشد.»

بعد از توضیح کارگاه مخصوصی، دادستان هم قانع شد. سه تیم از کارگاهان پلیس آگاهی مامور شدند که سه مظنون را به صورت نامحسوس زیر نظر بگیرند. قاتل به زودی برای شکار طعمه در این فاصله تماس گرفت و آزار و اذیت آخرين

بر زنگ دستگیر کرد و گفت: بر روی بدن مقتول آثار خونمردگی

قاتل مرموز

قسمت نهم

در هشتم شماره قبلی خوانید: مردانشناسی در تماس با سرگرد مصطفی از قتل دختری در جاده حاشیه ای شهر خبر داد. بعد از این تماس، کارگاه راهی محل شدو با جسد دختری روبرو شد که در تحقیقات بعدی مشخص شد دختر دانشجویی به نام سهیلا است. مقتول قبل از قتل مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود. در ادامه کیف سهیلا پیدا شد که قاتل در دفترچه پاداشت دختر جوان از پدر و مادر او عذرخواهی کرده بود و ادعای داشت مجبر بشه این قتل شده است. تحقیقات برای دستگیری قاتل ادامه داشت تا این که او در تماس با کارگاه راز دومین جنایت نیست را فاش کرد. این پار بعد از قتل جسد قربانی را پشت تپه ای رها کرده بود. با بررسی محل کشف جسد، مشخص شد این زن هم قربانی شیطانی شده و قاتل اوراهم مثل اولین قربانی خفه کرده بود. قاتل در این جنایت برای کامل شدن پالش، اسکناسی را داخل دهان قربانی قرار داده بود. تحقیقات نشان داد، قاتل در پوشش مسافر بر قربانی هارا سوار می کند. این پار هم زن جوانی قربانی شده بود. در حال بررسی صحنه بودند که رئیس اداره بررسی صحنه جرم کارگاه را سومین جنایت را فاش کرد. این پار هم زن جوانی قربانی کامل شدن پالش، اسکناسی را داخل دهان قربانی صدای داده بود. تحقیقات این را فاش کرد. این پار هم زن جوانی قربانی شده بود. در حال بررسی صحنه بودند که رئیس اداره بررسی و دیگر دامداری کارگاه را صدای داده بود. تحقیقات این را فاش کرد. این پار هم زن جوانی قربانی کامل شدن پالش، اسکناسی را داخل دهان قربانی وقتی سرگرد از مادرش تحقیق کرد، دریافت مقتول هیچ ارتباطی با دامداری ندارد. کارگاه را سپس با تصویر کشف سرنخ خوبی از قاتل، از روسای کلانتری های شهر خواست در اداره آگاهی جمع شوند تا بتوانند زو دقاتل را دستگیر کنند.

روسای کلانتری های شهر سریع خود را به اداره ویژه قتل پلیس آگاهی رسانند. سرگرد وقتی در جمع آنها قرار گرفت بدون هیچ مقدمه ای گفت: «در آخرین جنایت به سرنخ هایی رسیدیم که می تواند ما را به قاتل برساند. از پیش لباس مقتول که به مشام می رسید، احتمال دادیم او در یک دامداری کار می کند. این احتمال با شناسایی خانواده دختر جوان رد شد. این موضوع مرا به این ذکر رساند که قاتل در یک دامداری مشغول به کار است یا قاتل را در یک دامداری انجام داده از سوی دیگر با بررسی رد لاستیک خودرویی که در زندگی محل قاتل شده است. مدتی پیش از این رخداد خودرویی که در زندگی محل قاتل شده است. حال از شما می خواهم که تمام دامداری های محدوده است. است. احتمال باشناختی خانواده دختر جوان را دارد. این احتمال را بررسی کنید و ببینید در آنجا کسی خودروی پژوهه ۴۵ دارد یا نه. فقط این تحقیقات به صورت نامحسوس

امیرعلی
حقیقت طلب
تبیش

تحقیقات کارگاه
سرانجام سه مظنون
این قتل را مشخص
کرد و تحقیقات بر روی
آنها متمن کر شده تا
بتوانند قاتل سریالی
زنان راشناسایی و
دستگیر کنند.



شرکت داروسازی اکسیر

EXIR
PHARMACEUTICAL CO.
Health is not a dream

سلامتی رویا نیست



سنند کمپانی و سنند برگ سبز خودرو پراید،
مدل ۱۳۸۳، رنگ مشکی، به شماره انتظامی
۰۰۹۳۷۱۱۷، شماره موتور ۳۴۷-۴۶، ایران.
شماره شناسی ۱۴۱۲۲۸۳۳۲۲۶۱۷، پیغام محرب
پیرپور دانبرانی مفقود گردیده و فقاداعت بر است.